

## تبیین مؤلفه‌های مؤثر جامعه‌شناختی (با تکیه بر مفهوم گسست نسلی) در طراحی محیطی با رویکرد پیشگیری از جرم (مورد مطالعه: خیابان اصلی رجایی شهر کرج)<sup>۱</sup>

رضا درستان<sup>۲</sup>، حسین ذبیحی<sup>۳</sup>، علی اصغرزاده<sup>۴</sup>، مرضیه گرجی پشتی<sup>۵</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

از صفحه ۳۱ تا ۵۸

پژوهشنامه جغرافیای انسانی

سال هشتم، شماره سی و دوم، زمستان ۱۳۹۹

### چکیده

امروزه یکی از اولویت‌های مؤکد در حوزه طراحی شهری، توجه به مقوله پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی<sup>۶</sup> و اجرایی کردن آن در فضا و طراحی شهری است. فضای شهری با این رویکرد، سبب بهبود کیفیت شهری، افزایش رضایت‌مندی و بهبود سطح رفاه جامعه خواهد شد. در جامعه‌ای که بستر شکل‌گیری هویت، فرهنگ و رفتار افراد است، توجه به عوامل جامعه‌شناختی، درک ریشه‌ای یک اتفاق و فهم دقیق آن را در سطوح مختلف به همراه دارد. از این منظر، این پژوهش با توجه به گسترش جرائم، موضوع پیشگیری از جرم را با رویکرد جامعه‌شناسی و تکیه بر مفهوم گسست نسلی در طراحی محیط شهری مورد بررسی قرار داده است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش ات کمی بوده و داده‌ها از طریق پیمایش به‌دست آمده‌اند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شهروندان خیابان اصلی رجایی شهر کرج است که نمونه آماری آن بر اساس فرمول کوکران به تعداد (۳۶۰) نفر به دست آمد. نمونه‌گیری به روش طبقه‌ای متناسب با حجم، اجرا و داده‌های حاصل از توزیع و گردآوری پرسشنامه‌ها به نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس»<sup>۷</sup> وارد شد؛ روش تحلیل مبتنی بر تصاویر، آزمون رگرسیون چندمتغیره و فن افتراق معنایی بوده است. برابر نتایج، توجه به مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از پژوهش، در بعد جامعه‌شناسی (شناسایی مهاجران به کلان‌شهرها، احراز دلیل مهاجرت و تهیه پروفایل مهاجران، توجه ویژه به طراحی شهری بر اساس گسست نسل‌ها و تأثیر آن در گسست عاطفی، به‌خصوص در جوانان) و در بعد طراحی کالبدی محیطی (کنترل دسترسی‌ها، حفظ قلمرو و تأمین نور کافی)، باعث کاهش جرائم در طراحی فضای شهری و در نتیجه، ایجاد شهر امن خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** طراحی شهری، جرم، جامعه‌شناسی، طراحی کالبدی، گسست نسلی، معماری، پیشگیری از جرم.

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی معماری نگارنده اول با عنوان «توسعه چهارچوب مفهومی ارتقاء مطلوبیت معماری با تأکید بر رویکرد کاهش جرائم اجتماعی از طریق طراحی و روانشناسی محیطی» به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره آقای دکتر علی اصغرزاده (مشاور اول) و سرکار خانم دکتر مرضیه گرجی (مشاور دوم) در دانشگاه آزاد واحد چالوس است.

۲- دانشجوی دوره دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۳- دانشیار گروه معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

hosseinzabihi@hotmail.com

۴- استادیار گروه معماری، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

۵- استادیار گروه حسابداری، مدیریت و جامعه‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

6- Crime Prevention Through Environmental Design (CPTED)

7- Statistical Package for the Social Science (SPSS)

## بیان مسئله

بزهکاری و جرم یکی از متداول‌ترین ناهنجاری‌ها در جوامع امروزی است. این مهم در جوامع شهری افزایش یافته و به همین علت، افراد جامعه از بزه‌دیده شدن ترس دارند. این موضوع عامل اصلی پژوهش در دنیا توسط پژوهشگران بوده که بر حالات کیفی شهروندان جامعه، تأثیر مستقیم دارد. کیفیت زندگی، اساس طبقه‌بندی اجتماعی و از مقوله‌های اصلی در تکوین سیاست‌گذاری اجتماعی محسوب شده است. وقوع جرم پیامدهایی مانند بی‌اعتمادی، عدم امنیت و آسیب‌پذیری را به دنبال دارد که نتایج آن مخل نظم اجتماعی است (عباس‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۳)؛ بنابراین جرم پدیده‌ای است که هم‌زمان برهم زننده امنیت مالی و جانی افراد است؛ بنابراین رفع نیازهای فردی و جمعی به هر شیوه، ممکن است از طریق تجاوز به اموال غیر و همچنین انتخاب الگویی از جرم به‌عنوان شیوه‌ای برای تقویت خرده‌فرهنگ‌های بزهکاری، ظهور و شیوع سایر جرائم اجتماعی را در پی داشته باشد (هوشمند و کوه شکاف، ۱۳۸۱، ص ۶۷). تبیین‌های جامعه‌شناختی در نقطه مقابل تبیین‌های روان‌شناختی و زیست‌شناختی بر نقش مهم و اساسی محیط فرهنگی و اجتماعی در پیشگیری از جرم تأکید دارند (فرجی‌ها، ۱۳۸۸، ص ۱۴). پیشگیری اجتماعی از جرم، راهبردی است که مشارکت اعضای جامعه در پیشگیری فعال از وقوع رفتارهای مجرمانه و آسیب‌های اجتماعی و علت وقوع جرم را در ساختارهای اجتماعی جستجو می‌کند. رویکرد پیشگیری اجتماعی، در جستجوی اقدام با کمک سیاست‌ها، برنامه‌ها و خدمات مختلفی است که در جوامع توسعه‌یافته وجود دارد؛ و در جستجوی کاهش یا حذف انگیزه‌های ارتکاب جرم پیش از وقوع و مقابله با علل آن است. پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم، تضمین برنامه‌هایی است که بتواند در الگوهای رفتاری و ارزش‌های فرد تأثیرگذار باشد. در نتیجه، پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم طیف متنوعی از تدابیر و تمهیدات را در بر می‌گیرد که هدف آن‌ها تغییر در شرایط و مقتضیات روابط اجتماعی است (شاطری‌پوراصفهانی و یامین‌پور، ۱۳۹۵: ۷۵). این پژوهش مؤلفه‌های اجتماعی در پیشگیری از وقوع جرم در طراحی محیطی را بررسی و به پرسش‌های الف) مؤلفه‌های تأثیرگذار جامعه‌شناختی بر طراحی محیطی چیست؟ و ب) چگونه می‌توان با رویکرد گسست نسلی در جامعه‌شناسی در فضای شهری از طریق طراحی محیطی به کاهش جرم نائل شد؟ پاسخ می‌دهد.

مهم‌ترین ضرورت انجام این پژوهش، ارائه راهکارهایی بر اساس شناخت حاصل‌شده است. این‌چنین پژوهش‌هایی فواید کاربردی زیادی که به پیشگیری از جرم بر اساس برنامه‌ریزی در حوزه کیفیت زندگی منجر شود، دارند. پژوهش‌های پیشین، در حوزه جامعه‌شناسی، الگو و مؤلفه در طراحی شهری ارائه نکرده‌اند و این موضوع به‌نوعی نوآوری پژوهش است. از این‌رو با به‌کارگیری نتایج پژوهش انتظار این است که ریشه‌یابی پتانسیل وقوع جرم از منظر جامعه‌شناسی و انعکاس آن در طراحی محیطی شهری، باعث کاهش جرائم اجتماعی شود.

### پیشینه پژوهش

پری<sup>۱</sup> و فنلی<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در پژوهش «تحلیل راه‌حل‌های طراحی محیطی جرم‌ستیز مؤثر در سال ۲۰۲۰ و بعدازآن: مفاهیم و استراتژی‌ها پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی جرم‌ستیز و پیشگیری از وقوع جرم با راه‌حل‌های سال (۲۰۲۰) و بعدازآن»، به‌منظور ارائه راه‌حل‌ها، اثبات کرده که نقش فرد (نه تأکید بر ساختمان‌ها)، در کاهش جرم مهم است. موضوع پیشگیری از جرم و طراحی محیطی جرم‌ستیز، فقط قانون و هشدار نیست. مطالب مختلفی برای انجام بررسی جرم، بازدارندگی، نظارت بر محله، پیشگیری از وقوع جرم و موقعیت‌های اقتصادی و ایجاد فرهنگ پایدار امنیت قرار داده، زمان روبه‌جلو و تغییر و فناوری، ما را تغییر داده است؛ بنابراین باید از محیط اطراف آگاه بوده و برنامه‌هایی را اجرا کرد که باعث کاهش جرم در جوامع شود. این پژوهش راه‌حل‌ها و پاسخ‌هایی به خواننده برای شناسایی مشکلات ارائه کرده است.

لیل<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش «نظریه جامعه‌شناسی جرم: بررسی نظریه کنترل» به نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی/جرم‌شناسی آمریکایی از قرن نوزدهم اشاره و نظریه‌های متعددی را مورد مطالعه و فرضیه قرار داده است. وی سه موردی که از بالاترین درجه اهمیت در بین دانشمندان این حوزه دارد را شامل فشار، ارتباط افتراقی و کنترل، به‌استثنای نظریه کلاسیک جرم که اغلب با نظریه‌های فوق ادغام‌شده، می‌داند. مورد مطالعه، قتل عام دبیرستان کلمباین در تاریخ (۲۰) آوریل (۱۹۹۹) است که به تقابل

1- Perry  
2- Fennelly  
3- Lyle

این سه نظریه کمک می‌کند. دیدگاهی که با در نظر گرفتن محرک‌های نظریه اولیه جرم و جنایت منجر به توسعه نظریه کنترل می‌شود. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با استناد تاریخی است. در نتیجه، پژوهش با ارائه تجزیه و تحلیل مبانی نظری، از عوامل مجرمانه و اثربخشی نظریه‌ها و به‌طور آشکار، نظریه کنترل جرم در حوزه جامعه‌شناسی را بررسی می‌کند.

ثناگر و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش «ارزیابی احساس امنیت و پیشگیری از جرم در فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی به روش دید-پناه»، به ارزیابی ادراک امنیت توسط افراد در سطوح مختلف پرداخته است. روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی آماری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد عوامل کالبدی-رفتاری مانند خلوتی در روز و شب، تاریکی، روشنایی و نقاط کور و نبود نظارت پلیس در میزان احساس امنیت نقش بسزایی دارند.

یزدان صیقل (۱۳۹۷) در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه حقوقی-جرم‌شناختی جرم در جامعه مخاطره‌آمیز» بر اساس نظریه البریش بک<sup>۱</sup> و گیدنز<sup>۲</sup>، نظریه جامعه مخاطره‌آمیز را با هدف بازتعریف مفاهیم حقوقی و کیفری جرم، بررسی کرده است. بر اساس این دیدگاه کنترل موارد مخاطره‌آمیز، عاملی است که در همه کشورها دارای اهمیت ویژه‌ای است. در قالب جرم‌شناختی جهت‌گیری تحلیل‌ها به سمت بازشناسی ویژگی‌های جرم‌شناختی جرم در جوامع مخاطره‌آمیز، شناسایی بزه‌کاران و بزه‌دیدگان، اشاره به نظریه‌های جرم‌شناختی برخاسته از تفکر ریسک‌مدار و راهکارهایی به لحاظ جامعه‌شناختی دارد. در بستر تحلیل مفهومی نیز رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز از حیث ارکان تشکیل‌دهنده و تحولات آن‌ها وجود دارد، و نیز جهت‌گیری تعیین پاسخ به این جرائم و نگاه‌های کیفرشناختی، مدنظر قرار گرفت. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی در قالب تحلیل آماری است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تعریف جرم اگرچه دشوار، اما قاعده‌گذاری نظام‌مند با هدف شمول رفتارهای نوین مخاطره‌آمیز می‌تواند بر میزان کارایی و اثربخشی حقوق کیفری مخاطره‌آمیز، مؤثر واقع شود.

1- Beck

2- Giddens

با توجه به پژوهش‌های یادشده، بیشتر آن‌ها بر اساس نظریه‌ها و فرضیه‌های حوزه پیشگیری از جرم و جامعه‌شناسی با در نظر گرفتن نمونه‌ها و اتفاقات، اصولاً راه‌حل‌های منطقی را بر اساس یک نظریه، واکاوی و تقویت می‌کنند. در یک جمع‌بندی به نظر می‌رسد تبیین چارچوب و یا مؤلفه‌های تأثیرگذار به صورت منسجم برای نیل به کاهش جرائم در هیچ‌یک از آن‌ها، با توجه به بین‌رشته‌ای بودن پژوهش، صورت نپذیرفته است؛ بنابراین یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری این پژوهش، تبیین چارچوب و یا مؤلفه‌های تأثیرگذار جامعه‌شناختی در طراحی شهری با رویکرد کاهش جرم است.

## مبانی نظری

### جامعه‌شناسی و جرم

جامعه‌شناسان تلاش کرده‌اند تا از طریق کشف تأثیر ساختارها و نهادهای اجتماعی، میزان جرم را تشریح کنند. برای مثال، جامعه‌شناسان جرم را به خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی یا بی‌نظمی اجتماعی مرتبط دانسته و برای درک پویایی این موضوع، از پیش‌شرط فرد به‌عنوان عامل اصلی، استفاده می‌کنند و بر انگیزه‌های منحصر به فرد فردی برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی متمرکزند (لیلی و همکاران، ۲۰۱۹). جامعه‌شناسی همچون شعر حافظ «سهل ممتنع» است. سهل به این معنی که جامعه‌شناسی را در ساده‌ترین شکلش می‌توان بررسی، درک، شناخت و فهم جامعه یا اجتماعی یعنی یک مجموعه تشکیل‌شده از انسان‌هایی که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، تعریف کرد. ممتنع از این بابت که اساساً برای پدیده‌ای به نام جامعه‌شناسی نمی‌توان یک تعریف جامع و مورد توافق در نظر گرفت که در چند سطر و یا صفحه هم بتوان جامعه‌شناسی را خیلی دقیق و روشن تعریف و آن تعریف مورد توافق همه جامعه‌شناسان قرار گیرد. سه نگاه متفاوت در قبال این که جامعه، فرد و جامعه‌شناسی چیست؟ وجود دارد؛ که به سه صاحب‌نظر تعلق دارد و در حقیقت بنیان جامعه‌شناسی را تشکیل و عبارت‌اند از: الف) کارل مارکس<sup>۲</sup>، ب) امیل دورکهایم<sup>۳</sup> و ج) ماکس وبر<sup>۴</sup>.

1- Lilly, Cullen, & Ball

2- Karl Marx

3- Émile Durkheim

4- Max Weber

پاسخ‌هایی که این سه صاحب‌نظر به پرسش‌های بنیادین داده‌اند، دانشی را تشکیل می‌دهد که امروزه به نام جامعه‌شناسی می‌شناسیم. پاسخ‌های آن‌ها سه نوع مشرب به وجود آورده که به همراه مشرب چهارم، چهارستون جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهد. مشرب نخست، توسط «دورکهایم» به وجود آمده که مکتب کارکردگرایی یا فونکسیون<sup>۱</sup> است؛ مشرب دوم، توسط «مارکس» و بعد از او توسط جامعه‌شناسان مارکسیست، شکل گرفته به نام مکتب مارکسیسم شهرت یافت؛ مشرب سوم توسط «وبر» پایه‌گذاری شد و به نام نظریه کنش اجتماعی معروف است و مشرب چهارم به نام نظریه روابط متقابل یا جامعه‌شناسی تبیینی (تعامل‌گرا) است. در نگاه کلی در یک‌سو طیف «مارکس» و «دورکهایم» و در طرف دیگر طیف تلقی‌گرایان، معناگرایان یا فردگرایان هستند. «وبر» در میانه طیف قرار دارد. جامعه‌شناسی مارکسیسم و کارکردگرایی را جامعه‌شناسی ساختارگرایی گویند؛ چراکه به جامعه به‌عنوان یک ساختار نگاه می‌کند (لیل، ۲۰۱۹، ص ۱۵). در جمع‌بندی کلی، از دید «مارکس» و «دورکهایم» شناخت جامعه یعنی شناخت ساختارها و مناسبات اقتصادی، روابط سیاسی، شناخت طبقات و لایه‌های اجتماعی، کنش‌ها و واکنش‌ها، رقابت‌ها، همکاری‌ها، تضادها و همدلی‌ها و توافق‌های آنان با یکدیگر؛ مجموعه این‌هاست که جامعه را می‌سازد. «وبر» ضمن آنکه جامعه را می‌بیند؛ اما به سراغ فرد هم می‌رود. به‌نوعی جامعه را در تعامل میان این دو می‌بیند؛ و سرانجام مشرب چهارم، مشرب معنی، تلقی یا به قول عرفا معنا. این مشرب که در اصل ریشه در جامعه‌شناسی «وبر» دارد، از تفکرات وی فراتر رفته و اساساً چیزی به نام جامعه را نمی‌بیند. بلکه فرد و نقش‌آفرینی او را اساس و پایه تشکیل جامعه و مناسبات اجتماعی می‌داند (زیباکلام، ۱۳۹۶، ص ۳۸).

#### علل گرایش به انحرافات اجتماعی جوامع در حال توسعه (با تکیه بر مفهوم گسست نسلی)

رویکرد نوین جامعه‌شناختی به پیشگیری از جرم راه‌حل معمای پیچیده جرم را در ایجاد دگرگونی‌های نهادی و مداخله مؤثر در متغیرهای فرهنگی اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار در جرم جستجو می‌کند. توجه به حساسیت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی جامعه در تدوین سیاست‌هایی مانند پیشگیری اجتماعی، یکی از شرایط گریزناپذیر و پیشرفت‌های لازم و اجتناب‌ناپذیر برای تدوین الگوی پیشگیری و رسیدن به راه‌حل‌های

مؤثر است (سلیمی، ۱۳۸۵، ص ۴۸). دورکیم، تضعیف همبستگی اجتماعی در جوامع مدرن را که به واسطه تکثر ارزشی ناشی از فروپاشی مرزهای جغرافیایی به وجود آمده، عامل وقوع جرم معرفی می‌کند. پیامدهای آنومی<sup>۱</sup> در شکل نابسامانی اجتماعی و در قالب تعارض فرد با اجتماع تجلی و در نتیجه خواسته‌های وجدان جمعی، کارایی خود را از دست می‌دهد. تضعیف این الزام‌ها و فشارها سبب می‌شود افراد به حال خود رها و از نظر او علت آشکار تحقق آنومی، تحولات شتابزده اقتصادی است، چون این تحولات نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجارهای جامعه به دنبال دارد (ورسلی، ۱۳۷۸، ص ۱۷)؛ اما نظریه مقابلی هم در این خصوص با نام بی‌سازمانی اجتماعی وجود دارد. در این دیدگاه، جامعه‌شناسان بر این باورند که جامعه با ایجاد شکاف میان اهداف و شیوه‌های دسترسی، خود نیازهای متعارض ایجاد می‌کند. از نظر فرهنگ هر جامعه، معیارها، اهداف یا آرزوهایی وجود دارد که باید برای همگان امکان دستیابی به آن‌ها وجود داشته باشد؛ بنابراین اهداف یا آرزوهای عمومی متفاوت و بر حسب درجه توسعه جوامع در توجه عموم مردم هستند و جوامع دستیابی به آن اهداف را ترویج می‌کنند (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۶). بی‌شک سهم جابجایی ارزش‌ها در فرآیند تغییرات اجتماعی، نگاه حاکمیت و نظام قضایی را به روش سزادهی و کیفر متفاوت کرده است. در چارچوب‌های کیفرشناسانه، تردیدی نیست که امروزه، چه از زاویه بلوغ عقلی نظام‌های قضایی و چه از زاویه دین و اخلاق، کیفر دادن مرتکب جرم بدون توجه به اثر آینده‌نگرانه آن اقدامی مطرود است. حتی اگر بدون توجه به پیامد کیفر فقط با نگاهی سزارگر همچون امانوئل کانت<sup>۲</sup> یا سایر اخلاق‌گرایان با هدف جبران بی‌حرمتی به ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی یا مذهبی و با انگیزه حمایت و حراست از این ارزش‌ها مجرم را مجازات کرد (صفاری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۴). چه بسا نظام کیفری بدون حضور مستمر در فضای اجتماعی با تصمیمات انتزاعی خود واکنش‌های نامناسبی را به هدف بازپروری مجرمان به کار برده باشد. این مسئله درباره جوانان اهمیت بیشتری دارد. دور شدن تدریجی چند نسل از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی که به اصطلاح «گسست نسل‌ها» نامیده شده، می‌تواند جدی‌ترین زمینه هنجارگریزی و گرایش به پدیده‌های مجرمانه و انحرافات اجتماعی باشد. گفته شده که ارزش‌ها و

1- Anomie

2- Immanuel Kant

هنجارهای مشترک، سطح خشونت در جامعه را کاهش یا دست کم در سطح پایین نگاه دارد. در تئوری‌های انتقادی مکتب فرانکفورت، به خصوص آرای کسانی چون هربرت مارکوزه<sup>۱</sup>، جهان صنعتی و نظام سرمایه‌داری، متهم اصلی ایجاد شکاف در به هم پیوستگی نسل‌ها و به هم ریختگی ارزش‌هاست. به نظر مارکوزه، سرمایه‌داری انسان را تک‌ساحتی می‌سازد. انسان تک‌ساحتی، انسانی نیست که ابعاد معرفتی و متعالی وجود خویش را به نفع اهداف مادی کنار گذارد و به دنبال آن عضو هیچ شبکه ارزشی و هنجاری نباشد. به زبان مارکوزه از نموده‌های گسست نسل‌ها، گرایش‌های هندویستی و لذت‌گرایانه نسل سومی‌ها را می‌توان اشاره داشت (مارکوزه، ۱۳۶۲، ص ۶۱). از طرفی، در چارچوب نظریه ماکس وبر، دنیای صنعتی و نظام سرمایه‌داری کنش‌های عاطفی و انضباط‌ناپذیر انسان را به کنش‌های عقلانی معطوف به هدف مادی می‌کند. انسان در دنیای مدرن کم‌کم تقدس و معنای مفاهیم و ارتباطات میان فردی را کنار گذاشته و با محاسبه عقل معاش به جادوزدایی و تقدس‌زدایی از دنیا دست می‌زند (باهر، ۱۳۸۷، ص ۴۳). در نتیجه حیات و بقای یک نظام معنایی و شبکه ارزشی در گرو زنده ماندن روابط عمیق انسانی، معنی‌دار بودن روابط میان فردی است و جهان پرتنش و پرتپش صنعتی خودبه‌خود زمینه‌ساز شکستن روابط شده و گسست ارزشی را فراهم می‌آورد.

### ماهیت فرهنگی جرم و انواع آن

وجه اشتراک نظریه‌های هنجاری در این است که بر وجود وفاقی بنیادی بر سر ارزش‌ها و هنجارهای موجود و پذیرفتنی در جامعه تأکید می‌کنند. در مقابل این دیدگاه، نظریه‌های تعارض وجود دارد که بر محوریت وجود تعارضات اجتماعی و فرهنگی در روابط و ساختارها و نهادهای اجتماعی تأکید دارند. تفاوت و تمایز این تبیین‌ها در نگرش آنان به نظم اجتماعی است. دیدگاه اول، نظم اجتماعی یک نظم هنجاری و دیدگاه دوم، نظم اجتماعی یک نظم سیاسی و نه نظم هنجاری و مبتنی بر ارزش‌های وفاق‌پذیر اعضای جامعه است. دیدگاه تضاد ساختارهای اجتماعی، سازمان جامعه را مانع تحقق رفتارهای بهنجار و هنجارهای ناشی از فرهنگ رسمی و نظام فرهنگی را در تضاد با ارزش‌های جامعه می‌داند. جامعه از وفاق ارزشی و هنجاری برخوردار است، کارکرد این وفاق ارزشی و هنجاری حفظ انسجام اجتماعی است. در این

1- Herbert Marcuse



دیدگاه، نتیجه، فاصله میان ارزش‌ها و شیوه‌های دستیابی و رسیدن به آنان است. در دیدگاه مقابل، در تبیین خرده‌فرهنگی، وفاق را می‌بایست در درون مجموعه‌های متفاوت و مجزای اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه جستجو کرد. از این‌رو، جرم در مواردی تحقق پیدا می‌کند که گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت، پشتیبان ارزش‌های فرهنگی متعارف با فرهنگ رسمی و اصلی جامعه هستند. نظریه‌پردازان تضاد اجتماعی، تبیین جرم را در درون بافت‌های فرهنگی و اجتماعی و با بیان ارتباطی پی می‌گیرند که میان تنوع فرهنگ‌ها، جرم و فرآیند کنترل اجتماعی وجود دارد. تضاد و تعارض فرهنگی و گسست ارزشی در نظام‌ها و فرآیندهای مؤثر در جامعه‌پذیری، عامل اصلی به‌وجود آمدن جرم در درون جامعه است. دیدگاه‌های تضاد، منکر وفاق یا حتی توافق درباره ارزش‌ها و هنجارها هستند. ناهم‌نوایی با نظام فرهنگی و اجتماعی و نقض ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بدین معنی است که فرآیندهای جامعه‌پذیری و ادغام فرد در جامعه با آسیب مواجه است و فرهنگ جامعه در تعارض با فرهنگ رسمی و عمومی قرار دارد. این تعارض بستر مناسبی برای تشدید مقاومت‌های فرهنگی در برابر فرهنگ رسمی فراهم می‌آورد و وفاق و همبستگی اجتماعی را که عامل مهم پیشگیری از جرم است تهدید می‌کند (شاطری‌پور اصفهانی و یامین‌پور، ۱۳۹۵، ۷۸-۷۹). در این راستا مهم‌ترین نظریه‌ها مطابق جدول شماره (۱) ارائه شده است:

جدول شماره (۱). مهم‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی در حیطه شکل‌گیری جرم.

ردیف	نظریه	صاحب‌نظر	تشریح نظریه	منبع
۱	نظریه هنجاری	مرتن <sup>۱</sup> ، دورکیم، پارسونز <sup>۲</sup>	با تحلیل رفتارهای مجرمانه وجود وفاق فرهنگی و ارزشی را مبنای تحلیل قرار می‌دهد.	نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۸؛ سلیمی، ۱۳۹۵؛
۲	نظریه بی‌سازمانی اجتماعی	مرتن در مقابل دیدگاه دورکیم (ساختارگرایی متأخر)	جامعه با ایجاد شکاف میان اهداف و شیوه‌های دسترسی به آن‌ها، خود، نیازهای متعارض ایجاد می‌کند.	شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۹۱؛ هیوز <sup>۳</sup> ، ۲۰۰۵؛ نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۹۶.
۳	نظریه گسست اجتماعی	پارسونز	جرم ناشی از شکست روابط میان فرد و جامعه	

1- Merton

2- Talcott Parsons

3- Hughes

ردیف	نظریه	صاحب نظر	تشریح نظریه	منبع
۴	نظریه کنترل اجتماعی	دورکیم، هیرشی <sup>۱</sup>	انحراف زمانی پدیدار می‌شود که تعهد و پیوستگی اجتماعی تحلیل و تضعیف می‌شود. حضور شکننده یا نا مؤثر روابط و علایق بر فقدان نظارت و کنترل اجتماعی دلالت می‌کند.	
۵	نظریه تعارض فرهنگی	سلین <sup>۲</sup>	خرده فرهنگ‌های افراد در حال، افراد را در مقابل فرهنگ‌های اصلی آن جامعه قرار می‌دهد.	
۶	نظریه انتقال فرهنگی	کلیفورد شاو و هنری دی مک‌کی <sup>۳</sup>	تضعیف روزافزون نظام کنترل اجتماعی غیررسمی ناشی از جامعه‌پذیری نسل مهاجر و هم‌نوا شدن آنان با ارزش‌ها و هنجارهای رایج و تعارض ناشی از آن با هنجارهای خانواده و ازهم‌پاشیدگی و ناکارآمدی جدی نظام کنترل اجتماعی در سطوح خانواده و جامعه، عامل ظهور و گسترش جرم است.	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

### مشخصه‌های انحراف‌زای تفاوت نسلی

اهم مشخصه‌های مدنظر به شرح زیر است:

الف) کاهش سطح ارتباطات کلامی و گسست عاطفی: ارتباط کلامی عامل پیونددهنده درونی دو نسل به یکدیگر است. بروز ناهم‌زبانی، هم در به‌کاربردن واژگان یا زبان ملفوظ و هم منطق نوع توضیحات و استدلال‌ها یا زبان معقول، بین دو نسل گذشته و جدید از نشانه‌های آن است. جذب شدن به گروه همسالان در ازای هم‌زبانی و هم‌سخنی از نخستین نتایج این وقفه در ارتباط کلامی است. برخی جامعه‌شناسان همچون ساترلند<sup>۴</sup> بخشی از گرایش‌های مجرمانه را با عنوان «معاشرت‌های ترجیحی» یا «هم‌نشینی افتراقی»<sup>۵</sup> تدوین کرده‌اند که آن را ناشی از جایگزین شدن ارتباطات کلامی

1- Traviss Hirschi

2- Thorsten Sellin (۱۹۳۸)

3- Cliffordshaw & Henery Mc Kay

4- Edwin Hardin Sutherland

5- Differential association

همسالان با روابط سنتی والدین می‌دانند (شاطری پوراصفهان‌ی و یامین پور، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳-۱۷۵). فصل مشترک‌های عاطفی، مهم‌ترین این اتفاقات است. اشتغال والدین در مقایسه با گذشته بیشتر شده، پدر خانواده مجبور است برای رفاه خانواده‌اش بیشتر کار کند، گاه مادر نیز به کمک همسر خود می‌رود. در نتیجه والدین ظرفیت روحی و روانی کافی برای روبه‌رو شدن با فرزندان خود و حل مسئله آنان را ندارند و این به‌مرور زمان موجب کاهش ارتباط کلامی و سرد شدن روابط عاطفی می‌شود و در زمانی که می‌خواهند موضوعی را متذکر شوند، بعضاً با ناهنجاری فرزند روبه‌رو می‌شوند. در نبود ارتباطات کلامی مشابه، به‌تدریج هم‌زمانی از بین رفته، زمینه‌های شکل‌گیری روابط عاطفی مخدوش می‌شود (صیقل، ۱۳۹۷، ص ۶۲).

ب) اختلال در روند جامعه‌پذیری و الگوپذیری: منظور از فرآیند یادگیری، الگوپذیری نسل جوان از نسل بالغ است. به‌عبارت‌دیگر فرزندان سعی می‌کنند رفتارشان را با افراد بالغ انطباق دهند. معمولاً پسرها از رفتار پدران و دختران از رفتار مادرانشان الگوبرداری می‌کنند. اگر در روند الگوسازی اختلالی روی دهد، یعنی فرزندان از شخصیت دیگری به‌جز والدین خود الگوبرداری کنند و انطباق رفتاری انجام بدهند، در صورت ادامه چنین وضعی در الگوسازی فرزندان با نسل بالغ، بحرانی که عامل تقویت‌کننده گسست نسل‌ها است، اتفاق می‌افتد. این مسئله در صورت بی‌تعهدی به فرهنگ بومی بروز می‌کند. هرگاه دل‌بستگی نسل جوان به فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی نسل بالغ کاهش یافت و نسل جوان با دیده تردید و بی‌اعتمادی به‌گرایش‌های نسل بالغ نگریست، پدیده گسست نسل‌ها شکل گرفته است (همان، ۱۷۴).

ج) بروز از خودبیگانگی و تغییر رفتار سیاسی: آگاهی جوانان از شرایط شخصی و اجتماعی در چگونگی رفتار شهروندی و گرایش آنان به مشارکت در امور، مؤثر است. چنانچه خوی فردی شدن تقویت یابد، تحقق شهروندی و مشارکت فرد در امور مشکل‌تر می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی باید گفت شمار بسیارزادگی از جوانان امروز ایران در برابر فرآیندهای سیاسی احساس از خودبیگانگی دارند. این روند به علت اختلالات موجود در فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی آنان تشدید شده است. شمار چشمگیری از جوانان در ارزیابی خود و تصور هویت خویشتن، وضعیت نابسامان و آنومیک جامعه را در ذهن خود تصور کرده، احساس می‌کنند در حالی از گسستگی بین خود و جامعه قرار دارند. برخی

جامعه‌شناسان از تعبیر «مشروعیت روان‌شناختی» در تحلیل اثر تفاوت نسلی در وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران استفاده می‌کنند. جلالی در پژوهش «روانشناسی سیاسی انقطاع نسل‌ها» به نسبت‌سنجی این تحولات ارزشی با گسست نسبی می‌پردازد (جلالی، ۱۳۸۲، ص ۸۹).

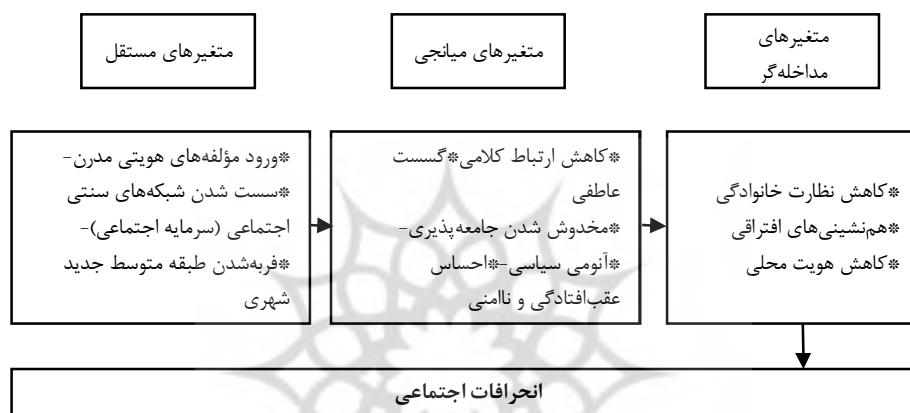
جدول شماره (۲). مشخصه‌های انحراف‌زای تفاوت نسلی.

ردیف	ملاحظات روابط میان نسلی	آثار زیان‌بار احتمالی
۱	کاهش ارتباط کلامی	جایگزین شدن ارتباطات کلامی همسالان با روابط سنتی والدین (هم‌نشینی افتراقی) کاهش فصل مشترک‌های عاطفی
۲	مخدوش شدن جامعه‌پذیری	تردید و بی‌اعتمادی به گرایش‌های نسل بالغ، بی‌تعهدی به فرهنگ بومی
۳	احساس انومی سیاسی و کاهش مشارکت سیاسی	آمدن مشروعیت روان‌شناختی از خودبیگانگی

منبع: شاطری پوراصفهانی و یامین پور، ۱۳۹۵.

شکل مقابله جوانان با هنجارها می‌تواند در انواع مختلفی مانند تخریب اموال عمومی، بی‌اعتنایی به عرف و اخلاق اجتماعی و مصرف مواد مخدر بروز یابد. دختران، اشکال دیگری را برای بروز این احساس ناامنی، اضطراب و بی‌کفایتی از خود نشان می‌دهند. به این ترتیب که دختران برای تعریف دقیق خود در پذیرش اجتماعی با مقوله ازدواج به‌موقع مواجه‌اند. امنیت آینده دختران به ازدواج با فردی اتکا شدنی، بستگی دارد. دختران نمی‌توانند آن‌قدر صبور باشند تا پسران هم‌سن‌وسالشان پایگاه اجتماعی مناسب برای ازدواج را فراهم کنند؛ زیرا سن دختران افزایش و فرصت انتخاب شدن از دست می‌رود. این اتفاق اساس احساس ناامنی آن‌هاست. در این مرحله، دختران همراه با پسران بار تقصیر را بر دوش مناسبات ناعادلانه اجتماع گذاشته و این آغاز ناهمنوایی با قواعد اجتماعی-سیاسی و فرصتی برای ایجاد پتانسیل‌های جرم است (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۵۴). از منظر شکاف ارزشی و اختلال در امنیت اجتماعی و هویت اجتماعی، می‌توان این بحث را مدنظر داشت که امنیت اجتماعی در وضعیتی بین‌الذهانی تعریف روشنی دارد؛ ولی در مطالعات امنیت‌پژوهی آن را توانمندی جامعه برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید دارند. به بیان دیگر، امنیت اجتماعی و هویت را توأمان معنا کرده‌اند. ویژگی مهم هویت، ایجاد وفاق و همبستگی و همسازي است که در تعریف

ما از خود و دیگران تأثیرگذار است؛ بنابراین امنیت اجتماعی را می‌توان به جنبه‌هایی از زندگی شخصی مربوط دانست که هویت گروهی آن را تنظیم می‌کند. به‌نوعی امنیت اجتماعی و امنیت هویتی، مترادف هستند (همان، ۵۹). جامعه‌شناسان و امنیت‌پژوهان می‌دانند که سرمایه اجتماعی تولید شدنی نیست و محصول دولت و بخش خصوصی نمی‌باشد؛ بلکه این هنجارها هستند که سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و به همکاری گروه‌های اجتماعی و فضیلت‌هایی همچون نزاکت، حفظ تعهدات، عملکرد اتکاپذیر و وظایف و فضایل دیگر منجر می‌شوند (مهریزی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵).



نمودار شماره (۱). مدل تحلیل گرایش جوانان به انحرافات اجتماعی. منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

### پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی

پیشگیری<sup>۱</sup> به معنی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی شتافتن»، همچنین «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است؛ اما در جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری یعنی کاربرد فنون مختلف به‌منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است (نسل، ۱۳۹۳، ص ۲۰-۲۱). در طراحی محیطی پیشگیرانه از جرم، خصوصیات فیزیکی محیط ساخته‌شده را که مناسب جرم هستند، مورد توجه قرار می‌دهند؛ بنابراین با استفاده از طراحی محیطی می‌توان ارتباط بین محیط پیرامون و فرصت ارتکاب جرم را درک کرد و فرصت‌های ارتکاب جرم را از طریق طراحی محیط مناسب و اتخاذ تصمیم‌های صحیح مربوط به طراحی محیطی

کاهش داد (وارویک<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰، ص ۱۱). این رویکرد همانند رویکرد پلیس جامعه‌محور می‌تواند حل مسئله و اساس پیشگیری از وقوع جرم را از طریق همکاری تنگاتنگ با شهروندان به سرانجام برساند. می‌توان گفت که پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، برای ایجاد رفتار مطلوب، افزایش کارآمدی و کاهش بروز رفتارهای ضداجتماعی و انجام اقدام‌های مقتضی برای از بین بردن خطر وقوع جرم است (اشنایدر، ۱۳۸۵، ص ۱۶). از دیگر آثار مثبت این رویکرد می‌توان به تقویت حس تعلق به محیط در ساکنان و افزایش قیمت زمین و خانه اشاره کرد. این دیدگاه از لحاظ مبانی نظری تا حدودی شبیه پیشگیری وضعی است؛ ولی قلمرو و کاربرد آن محدودتر است. این نظریه هدف و تمرکز خود را بر محیط ساخته‌شده و جرائم مرتبط با آن در مناطق مسکونی، مانند خرابکاری و سرقت قرار می‌دهد (محمودی‌جانکی و قورچی‌بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۷-۳۴۹). در کشور انگلستان این رویکرد منجر به این شده است که در نیروهای پلیس پست‌های تخصصی از افسران رابط به وجود آید که در زمینه طراحی ساختمان‌ها و اماکن عمومی برای کاهش جرم و بی‌نظمی مشاوره دهند. معروف‌ترین شارح، نوع طراحی ساختمان بر ارتکاب بزه، اسکار نیومن<sup>۲</sup> بود که عبارت فضای قابل دفاع از وی، کلیدواژه‌ای است که این نوع تفکر به‌وسیله آن شناخته‌شده است. فضای قابل دفاع به مکان‌های باز، نقاط ورودی و مسیرهایی که برای ساکنان این امکان را فراهم می‌آورند تا از مکان زندگی خود در برابر متجاوزان و فعالیت‌های جرم‌خیز، محافظت به عمل آورند، گفته می‌شود (فتحی و ستاکه، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰). در کل اگرچه نیومن در تأکید بر نظارت طبیعی در محله‌ها با جیکوبز<sup>۳</sup> هم‌عقیده است، اما خلق فضاهای قابل دفاع را که ویژگی‌های آن تراکم کم، محیط با غلبه فضای مسکونی با محدودیت دسترسی است، پیشنهاد می‌دهد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر شش اصل استوار است: اصل اول) حدود قلمرو (قلمروگرایی): توانایی برقراری اقتدار در محیط و تعیین شخص مسئول در منطقه و کسانی که مجازند در آن منطقه حضور داشته باشند و آن‌هایی که اجازه حضور ندارند (اشنایدر، ۱۳۸۵، ص ۵-۱۶)؛ اصل دوم) مراقبت و نظارت طبیعی: نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه محله دانست. اگر مجرم تصور کند که در

1- Warwick  
2- Newman  
3- Jane Jacobs

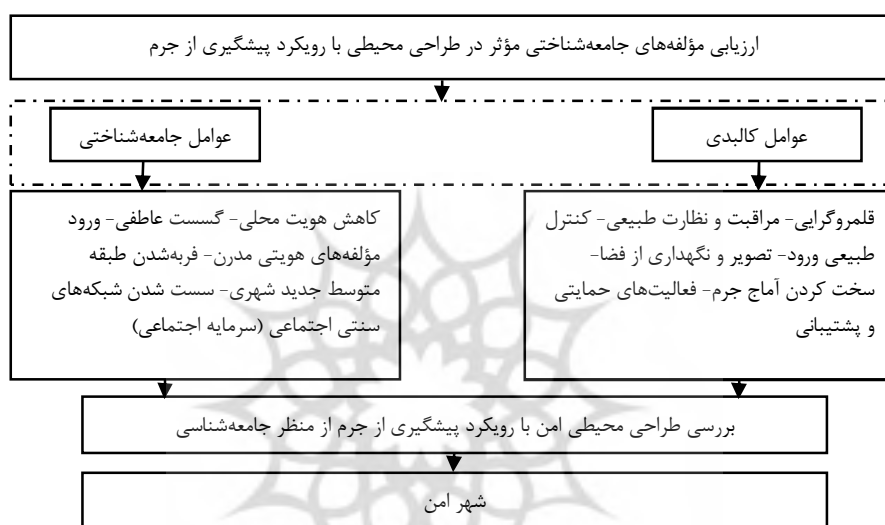
صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت، اگرچه در واقع این‌گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد، چراکه در فرآیند گذار از اندیشه به عمل، منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد (محمودی‌جانکی و قورچی‌بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۷)؛ اصل سوم) کنترل طبیعی ورود: عبارت است از قدرت محدود کردن ورود افراد غریبه و نحوه ورود آن‌ها (اشنایدر، ۱۳۸۵، ص ۵-۱۶). این کنترل شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی رسمی یا سازمان‌یافته و مکانیکی است؛ اصل چهارم) تصویر و نگهداری از فضا: امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنان و محله‌های مجاور از آن فضا دارند. اگر ساکنان تصویر بدی از آن فضا داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن‌ها افزایش می‌یابد؛ اصل پنجم) سخت کردن آماج جرم: در ساختمان به معنای بهبود استانداردهای امنیتی است که موجب دور نگه‌داشتن مجرمان از ساختمان می‌شود. به عبارت دیگر سخت کردن آماج جرم به این معناست که آماج‌ها و اشیایی که معمولاً مورد تخریب و سرقت قرار می‌گیرند (پری و فنلی، ۲۰۲۰، ص ۱۰) سخت شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت در امان بمانند و اصل ششم) فعالیت‌های حمایتی و پشتیبانی: شامل استفاده از طراحی با هدف تشویق ساکنان به استفاده و حضور بیشتر در فضای عمومی است (کاوه، ۱۳۹۱، ص ۳۸).

جدول شماره (۳). مؤلفه‌های تأثیرگذار در بعد جامعه‌شناسی و طراحی محیطی.

مؤلفه	شاخص	منابع به‌کاررفته برای تشخیص شاخص‌ها
کالبدی	قلمروگرایی	اشنایدر، ۱۳۸۵؛ وارویک، ۲۰۲۰؛ پری و فنلی، ۲۰۲۰
	مراقبت و نظارت طبیعی	ثناگر و همکاران، ۱۳۹۸؛ فرجی‌ها، ۱۳۸۸؛ صیقل، ۱۳۹۷
	کنترل طبیعی ورود	اشنایدر، ۱۳۸۵؛ نسل، ۱۳۹۳؛ ثناگر و همکاران، ۱۳۹۸
	تصویر و نگهداری از فضا	محمودی‌جانکی و قورچی‌بیگی، ۱۳۸۸؛ نسل، ۱۳۹۱؛ پری و فنلی، ۲۰۲۰
	سخت کردن آماج جرم	نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۹۶؛ محمدنسل، ۱۳۹۳؛ محمدنسل، ۱۳۹۱
	فعالیت‌های حمایتی و پشتیبانی	فتحی و ستاکه، ۱۳۸۷؛ وارویک، ۲۰۲۰؛ محمدنسل، ۱۳۹۳؛ کاوه، ۱۳۹۱
جامعه‌شناختی	کاهش هویت محلی	مهریزی، ۱۳۸۹؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۷، جلالی، ۱۳۸۲؛ شاطری‌پوراصفهانی و یامین‌پور، ۱۳۹۵
	گسست عاطفی	صیقل، ۱۳۹۷؛ شاطری‌پوراصفهانی و یامین‌پور، ۱۳۹۵

مؤلفه	شاخص	منابع به کاررفته برای تشخیص شاخص‌ها
		مارکوزه، ۱۳۶۲
	ورود مؤلفه‌های هویتی مدرن	هیوز، ۲۰۰۵؛ سلیمی، ۱۳۹۵
	فربه‌شدن طبقه متوسط جدید شهری	باهنر، ۱۳۸۷؛ جهان مهر، ۱۳۸۴؛ ورسلی، ۱۳۸۷؛ شاطری پوراصفهان‌ی و یامین پور، ۱۳۹۵
	سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی (سرمایه اجتماعی)	نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸؛ شاطری پوراصفهان‌ی و یامین پور، ۱۳۹۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.



نمودار شماره (۲). مدل مفهومی پژوهش. منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

## روش پژوهش

این پژوهش کمی، تحلیلی و به روش پیمایشی، با استفاده از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای، تارنماها و میدانی و با بهره‌گیری از فن پرسشنامه، با هدف مشخص کردن تأثیر شاخصه‌های هر مؤلفه انجام شده است. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. حجم جامعه آماری در این پژوهش متشکل از ساکنان و عابران در محدوده، مشاهده‌های جزئی - موردی و نمونه‌گیری غیراحتمالی با حجم نمونه (۳۶۰) نفر به دست آمده که در بخش اول به منظور سنجش میزان تأثیر عوامل جامعه‌شناختی بر کاهش جرم در طراحی محیطی پیشگیرانه از جرم، از نمودار مفهومی و توسط نرم‌افزار «اس.پی.اس.اس» و با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پرسشنامه،



(۳۷) پرسش به صورت واضح و شفاف از افراد حاضر در محدوده پرسش شد. روش تحلیل در این پژوهش به دو صورت است: در بخش اول ماهیت داده‌ها با استفاده از آنالیز چندمتغیره موردسنجش قرار گرفت که این امر سبب شناسایی همبستگی‌های میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل شد. پایایی شاخص‌های مورد انتخاب با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ انجام شده که برای شاخص‌های بالا مقدار آلفای کرونباخ (۰/۸۹۱) است که به دلیل این که از (۰/۷) بیشتر است، نشان از پایایی شاخص‌ها و مشکل‌ساز نبودن آن دارد. در بخش دوم پرسش‌ها، برای دریافت میزان ارتباط عوامل کالبدی و جامعه‌شناختی در فضاهای شهری از فن افتراق معنایی استفاده شده است. این روش توسط چارلز آزگورد و همکاران (۱۹۵۷) برای سنجش شخصیت افراد و احساس آن‌ها از پدیده‌های پیرامونی است (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۵۳). در این پژوهش خیابان اصلی منطقه رجایی‌شهر کرج به دلیل پیاده مدار بودن و تراکم جمعیتی با مساحتی در حدود (۱۹۰) هکتار انتخاب شد. طول مسیر پیاده در این منطقه برابر با (۱۸۰۰) متر است.



شکل شماره (۱). محدوده و مسیر پیاده خیابان اصلی منطقه رجایی‌شهر کرج (نگارنده، ۱۳۹۹: Google map2020)

## یافته‌های پژوهش

## یافته‌های توصیفی:

نظر به مشاهده‌ها و عکس‌برداری‌های انجام شده در محدوده، از جداره‌ها، پارک، ابنیه‌ی تجاری و مسکونی در طول مسیر عابر پیاده، تنوع زیادی در طراحی محیطی و جداره‌های ابنیه مشاهده شد. خیابان شیب‌دار از جنوب به شمال بوده و در آن سینما (ابتدای خیابان)، درمانگاه، انواع مجتمع‌های تجاری، پارک، مسجد و خیابان منتهی به دانشگاه آزاد کرج می‌شود. شهر کرج به دلیل مهاجرت اقوام مختلف به ایران کوچک معروف است؛ اما اثری از معماری ایرانی و طراحی محیطی مختص هر اقلیم و منطقه در آن دیده نمی‌شود. اثبات این مدعا را در خیابان یادشده می‌توان مشاهده کرد. از این رو هم در مؤلفه‌های طراحی محیطی (قلمروگرایی، مراقبت و نظارت طبیعی، کنترل طبیعی ورود، تصویر و نگهداری از فضا و سخت کردن آماج جرم) و هم در بعد مؤلفه اجتماعی (کاهش هویت محلی، گسست عاطفی، ورود مؤلفه‌های هویتی مدرن، فربه‌شدن طبقه متوسط جدید شهری، سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی (سرمایه اجتماعی)) بنا بر نتایج حاصل از پرسشنامه، کاستی‌های فراوانی مشاهده می‌شود. پاسخگویان به پرسشنامه (۴۸) درصد زن و (۵۲) درصد مرد هستند. به لحاظ تواتر حضور در محدوده، (۶۲) درصد هر روز در محدوده حاضرند، (۱۰) درصد هفته‌ای دوبار، (۲۳) درصد هر هفته و (۵) درصد ماهی یک‌بار در محدوده هستند. برای سنجش وضعیت سنی بر اساس مشاهده‌ها، حضور افراد و میزان توانایی پاسخگویی به پرسش‌ها، به سه دسته طبقه‌بندی شدند که در این بین، (۷۸) درصد افراد بین (۲۰-۳۹)، (۱۸) درصد بین (۴۰-۶۰)، و (۴) درصد پاسخ‌دهندگان بالاتر از (۶۰) سال سن دارند.

جدول شماره (۴). وضعیت یافته‌های توصیفی پژوهش.

متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۱۷۳
	مرد	۱۸۷
	کل	۳۶۰
سن	۳۹-۲۰	۷۸
	۶۰-۴۰	۱۸
	بالای ۶۰ سال	۴

متغیر	تعداد	درصد
کل	۳۶۰	۱۰۰
هر روز	۲۲۳	۶۲
هفته‌ای دوبار	۳۶	۱۰
هر هفته	۸۳	۲۳
ماهی یکبار	۱۸	۵
کل	۳۶۰	۱۰۰

میزان تواتر حضور

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

### یافته‌های استنباطی:

تحلیل رابطه بین متغیر وابسته کاهش جرم و متغیرهای مستقل (مؤلفه‌ها)

در این بخش با استفاده از رگرسیون چندمتغیره رابطه بین متغیر وابسته (کاهش جرم) و متغیرهای مستقل (مؤلفه‌ها) مورد بررسی واقع شد. در راستای این امر، پرسشنامه ساکنان به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفت.

پیش‌بینی کاهش جرم بر اساس متغیرهای مستقل در ساکنان در جدول شماره (۵) با استفاده از ضریب R میزان همبستگی تمامی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در پرسشنامه ساکنان سنجیده شده است که معیار I نشان‌دهنده ضریبی است که دامنه‌اش بین (۱- و ۱+) قرار دارد. مقدار (۰/۰۰۰) گویای عدم رابطه بین دو متغیر و (۱+) رابطه مثبت و کامل و (۱-) رابطه منفی یا معکوس کامل است (به نقل از: ثناگر و همکاران). ضریب همبستگی سنجش رابطه حداکثری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را پیدا می‌کند (میلر، ۱۳۸۰، ص ۲۹۱) و می‌تواند مشخص کند که متغیرهای مستقل تا چه حد توان تبیین واریانس وابسته را دارد. برای بررسی میزان همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون رگرسیون استفاده شده است.

جدول شماره (۵). آزمون همبستگی رگرسیون میان کاهش جرم و متغیرهای مستقل در پرسشنامه ساکنان.

همبستگی	میانگین مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	خطای استاندارد اندازه‌گیری
۰/۸۹۱ <sup>a</sup>	۰/۷۵۳	۰/۴۵۳	۰/۴۹۸

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

بررسی رابطه همبستگی متغیر وابسته کاهش جرم و متغیرهای مستقل (در طراحی محیطی، قلمروگرایی، مراقبت و نظارت طبیعی، کنترل طبیعی ورود، تصویر و نگهداری از فضا، سخت کردن آماج جرم و در بعد مقوله جامعه‌شناسی، کاهش هویت محلی، گسست عاطفی، ورود مؤلفه‌های هویتی مدرن، فربه‌شدن طبقه متوسط جدید شهری و سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی) در ساکنان برابر (۰/۸۹۱) شده است، از آنجایی که این عدد به سمت (+۱) میل کرده؛ بنابراین همبستگی مستقیم و قوی بین متغیر وابسته و مستقل وجود دارد. مقدار مربع همبستگی<sup>۱</sup> در جدول، مجذور ضریب همبستگی است و ضریب تعیین نامیده می‌شود و در واقع بیان می‌کند در پژوهش (۰/۷۵۳) از تغییرات متغیر وابسته به تغییرات مجموعه متغیرهای مستقل بستگی دارد. این ضریب بیانگر آن است که در حدود (۰/۴۵۳) از واریانس یا پراکندگی متغیرهای مستقل در کاهش جرم موجود در مدل تجربی پژوهش و بقیه واریانس پراکندگی، توسط متغیرهایی تبیین می‌شوند که در پژوهش ما وارد نشده است. پس از بررسی کلی تأثیرات متغیرهای مستقل بر کاهش جرم، میزان همبستگی هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در جدول شماره (۶) موردسنجش قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۶). میزان همبستگی میان کاهش جرائم و متغیرهای مستقل در ساکنان محدوده از منظر طراحی محیطی.

متغیرها	میانگین متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد		تی	سطح معناداری <sup>۲</sup>
		ضریب استاندارد	استانداردسازی ضرایب		
		ضریب رگرسیون استاندارد نشده	خطای انحراف معیار <sup>۳</sup>		
از منظر مؤلفه‌های کالبدی طراحی محیطی					
-	-	۰/۶۶۷	۶/۲۸۶	۰/۱۰۶	۰/۹۱۹
قلمروگرایی	۱/۵۳	۰/۳۲۱	۱/۲۱۲	۰/۱۱	۰/۸۰۷
مراقبت و نظارت طبیعی	۱/۱۳	۰/۱۲۷	۰/۵۷۶	۰/۲۲	۰/۸۳۷
تصویر و نگهداری از فضا	۴	-۰/۵۹	۰/۴۳۱	۰/۱۳۶	۰/۸۹۸

1- R square

2- Sig

3- Std error

متغیرها	میانگین متغیرهای مستقل	ضریب استاندارد		استانداردسازی ضرایب	
		ضریب رگرسیون استاندارد نشده	خطای انحراف معیار <sup>۲</sup>	ضریب بتا	تی
کنترل طبیعی ورود	۲/۸	۰/۵	۰/۶۴۱	۰/۱۷	۰/۷۸
سخت کردن آماج جرم	۴/۸	-۰/۲۵	۱/۱۹۹	۰/۳۹	۰/۲۰۹
<b>از منظر مؤلفه‌های جامعه‌شناسی</b>					
کاهش هویت محلی	۴/۵۲	-۰/۱۹۸	۱/۵۱۲	۰/۶۵۳	-۰/۱۸
گسست عاطفی	۳/۵۳	۰/۱۷۱	۰/۲۶۵	۰/۱۵۹	-۰/۶۱۵
ورود مؤلفه‌های هویتی مدرن	۴/۵۶	-۰/۹۵۶	۱/۲۱	۰/۳۵۵	-۰/۷۷۰
فربه‌شدن طبقه متوسط جدید شهری	۳/۱۳	۰/۱۰۱	۰/۲۵۱	۰/۵۴	-۰/۲۹۸
سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی	۲/۶	-۰/۷۵	۰/۱۰۱	۰/۳۱۲	-۰/۱۲۴

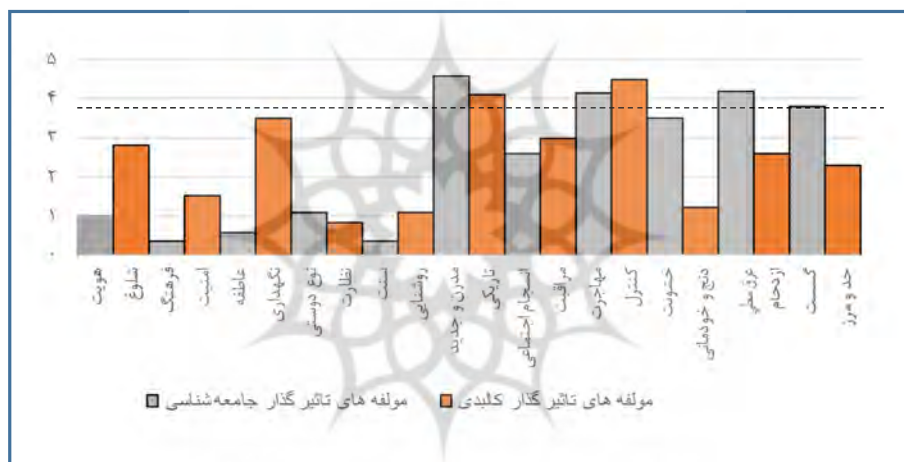
منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

تحلیل‌های انجام شده جدول شماره (۶) در بخش ساکنان و در بعد مؤلفه‌های کالبدی نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مستقل، متغیر قلمروگرایی با ضریب بتا (۰/۵۸) بیشترین تأثیر را بر متغیر کاهش جرم دارد و سپس بافاصله‌ای کمتر مراقبت و نظارت طبیعی با ضریب بتا برابر (۰/۵۷۴) بر کاهش جرم تأثیرگذار است. هرچند اختلاف این دو متغیر ناچیز و قابل چشم‌پوشی است؛ بنابراین هر دو متغیر اهمیت تقریباً یکسانی را در کاهش جرم دارند. پس از متغیرهای فوق، کنترل طبیعی ورود با ضریب بتا (۰/۱۷)، تصویر و نگهداری از فضا با ضریب بتا (-۰/۸۶)، سخت کردن آماج جرم با ضریب بتا (۰/۳۹) در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند؛ اما در بخش ساکنان و در بعد مؤلفه‌های جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مستقل، متغیر کاهش هویت محلی با ضریب بتا برابر (۰/۶۵۳) بیشترین تأثیر را بر متغیر کاهش جرم دارد و پس از آن گسست عاطفی با ضریب بتا برابر (۰/۱۵۹)، ورود مؤلفه‌های هویتی مدرن با ضریب بتا (۰/۳۵۵)، فربه‌شدن طبقه متوسط جدید شهری با ضریب بتا برابر (۰/۵۴) و

سست شدن شبکه‌های سنتی اجتماعی با ضریب بتا (۰/۳۱۲) بر کاهش جرم تأثیرگذار هستند.

### تفکیک افتراق معنایی و آزمون تی-تست

برای ارزیابی میزان تأثیر عوامل جامعه‌شناسی و کالبدی بر کاهش جرم از فن افتراق معنایی استفاده و در انتها نیز با آزمون تی-تست موردسنجش قرار گرفت. گویه‌های کیفی پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌تایی لیکرت موردسنجش واقع شد. از این رو میانگین عددی که کمتر و بیشتر از میانه (۲/۵) هستند، با توجه به مثبت و منفی بودن هر گویه، مورد تحلیل قرار گرفتند. ارزیابی هریک از عوامل فوق بر میزان کاهش جرم بر اساس آزمون تی-تست در نمودار شماره (۳) مشخص است.



نمودار شماره (۳). تأثیر عوامل جامعه‌شناسی و طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹.

ارزیابی تأثیر عوامل کالبدی بر میزان احساس امنیت یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین کاهش جرم در عوامل کالبدی چون شلوغی، امنیت، نگهداری، تاریکی، مراقبت، کنترل، ازدحام، از میانه نظری عدد (۲/۵) بیشتر است که حاکی از وضعیت نامطلوب این عوامل کالبدی دارد. از سویی، میانگین کاهش جرم در عوامل تأثیرگذار جامعه‌شناسی مانند مدرن و جدید بودن، انسجام اجتماعی، خشونت، گسست عاطفی، مهاجرت، عرق محلی از میانه (۲/۵) بیشتر بوده که نشان از وضعیت نامطلوب این عوامل است. در

نتیجه تأثیر عوامل کالبدی و عوامل یادشده در حوزه جامعه‌شناسی و طراحی محیطی که بیشتر از میانه تئوری است، عوامل بحرانی در طراحی محیطی هستند که می‌بایست به آن‌ها توجه ویژه داشت. همان‌طور که انتظار پژوهش بر تأثیر عوامل جامعه‌شناسی در طراحی محیطی بوده، با توجه به رفتار نمودار بالا این مهم بر اساس پاسخ مخاطبین، دارای اهمیت بالایی در درجات مختلف است.

### نتیجه‌گیری

کاهش جرم یکی از اهداف و مهم‌ترین مؤلفه کیفیت زندگی شهری بوده و ترس از وقوع جرم تحرک و آزادی افراد را کم و باعث عدم حضور افراد به‌طور مناسب در فعالیت‌های اجتماعی است. علاوه بر این، هر چیزی که فرد را در محیط محاصره‌شده قرار و باعث تنها شدن او با مجرم شود، ترس از وقوع جرم را افزایش می‌دهد. هدف پژوهش حاضر ارائه راهکارهایی باهدف ایجاد بستری برای کاهش جرم در محیط‌های شهری است. با توجه به پاسخ استفاده‌کنندگان از فضا، نتایج حاکی از کاهش جرم در مخاطبین محدوده مورد مطالعه، متغیر مستقل در دو طیف جامعه‌شناسی و مؤلفه‌های کالبدی در طراحی محیطی، متفاوت بوده؛ اما متغیر وابسته کاهش جرم در محدوده از حد میانه (۲/۵) کمتر ارزیابی و اکثریت استفاده‌کنندگان، احساس امنیت کمتری نسبت به حد میانه آزمون داشته‌اند (به نسبت وقوع جرم). یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته کاهش جرم در دو بعد پژوهش کاملاً متفاوت است؛ یعنی در بعد جامعه‌شناسی گویه گسست نسلی، عرق محلی، خشونت، مهاجرت، انسجام اجتماعی، مدرن و جدید بودن و گویه تاریکی، شلوغی، تاریکی، مراقبت و نظارت و کنترل، در بعد طراحی کالبدی محیطی در نامطلوب‌ترین وضعیت هستند. یافته‌های طراحی کالبدی محیطی با یافته‌های پژوهش ثناگر و همکاران (۱۳۹۸) و پری، فنلی (۲۰۲۰) مطابق و در بعد جامعه‌شناختی با یافته‌های لیل (۲۰۱۹)، صیقل (۱۳۹۷) و نجفی‌ابرنآبادی و همکاران (۱۳۹۶)، تطابق دارند؛ اما یافته‌های حوزه جامعه‌شناسی در این پژوهش، به‌مراتب کنکاو بیشتر و متفاوتی نسبت به یافته‌های بالا در پی داشته که در نمودار شماره (۳) قابل مشاهده است؛ بنابراین در راستای ارتقاء محیطی امن با توجه به ابعاد پژوهش به لحاظ کاهش جرم، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

## در بعد جامعه‌شناسی:

۱. شناسایی مهاجرین به کلان‌شهرها و احراز دلیل مهاجرت یکی از پیشنهادهای اساسی این پژوهش است. از آنجایی که مهاجرت‌ها باعث ورود فرهنگ جدید به شهرها شده، دلیل و عقبه مهاجرت‌ها تاکنون مشخص نشده که قابل‌بحث و ریشه‌یابی است؛
۲. توجه ویژه به طراحی شهری بر اساس گسست نسل‌ها و انعکاس فرهنگ، معماری و طراحی شهری در سیما و منظر شهری با بیان ساده و به‌روز؛
۳. ایجاد عرق محیطی با توجه به اقوام ساکن در طراحی محیطی و ارائه الگوی نمادها در فضای شهری بر اساس تراکم جمعیتی اقوام؛
۴. تشویق و ترغیب جوانان و ساکنان محیط (برای ایجاد بستر مشارکت) به اعلام نظر در چیدمان قسمتی از فضای شهری (مانند پارک‌ها، پیاده‌راه‌ها).

## در بعد طراحی کالبدی محیطی:

- ۱- ایجاد محل‌های نشستن و استراحت برای افراد و ترویج استفاده مداوم از آن‌ها سبب ایجاد احساس مثبتی از منطقه امن در ادراک افراد می‌شود و راه فرار را برای مجرمین کمتر می‌کند؛
- ۲- کنترل ازدحام و شلوغی در مکان‌های عمومی محصور و باز از طریق نوع طراحی کالبدی؛
- ۳- حفظ قلمرو و ایجاد خلوت شخصی و محیطی بنا به فضای موردنیاز از طریق طراحی کالبدی؛
- ۴- کنترل دسترسی‌ها به صورت مکانیکی و ایجاد بار ذهنی در اینکه محیط کنترل است، به وسیله عوامل طراحی کالبدی (دیدگذر) در فضای شهری؛
- ۵- تأمین نور کافی در کنج‌ها، معابر، زیرگذرها، فضای پرت روگذرها با توجه به طراحی کالبدی شهری؛
- ۶- نظارت و نگهداری المان‌ها و مبلمان شهری برای حفظ ظاهر زیبا و تأکید بر اینکه فضای مورد استفاده دائماً تحت نظارت و نگهداری است.



## منابع

- شنایدر، تاد (۱۳۸۵). پیشگیری از وقوع جرم از طریق طراحی محیطی در مراکز آموزشی، ترجمه: سروش بهریر. تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
- باهنر، ناصر (۱۳۸۷). رسانه‌ها و دین. تهران: مرکز پژوهش‌ات صداوسیما.
- ثناگردبانی، الهام؛ منصفی‌پراپری، دانیال؛ طاهرخانی، علیرضا؛ حاجی‌فتحعلی، سیاوش (۱۳۹۸). ارزیابی احساس امنیت و پیشگیری از جرم در فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی به روش دید-پناه. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره (۴۶)، دوره (۱۲)، ص (۲۸-۱).
- جلالی، محمدرضا (۱۳۸۲). روانشناسی سیاسی انقطاع نسل‌ها، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، با اهتمام علی‌اکبر علیخانی.
- ص (۸۱-۱۰۶). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی به زبان ساده. چاپ (۵). تهران: انتشارات روزنه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سلیمی، اکبر (۱۳۹۵). ارائه الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی ناجا از بزهکاری نوجوانان، مورد مطالعه: شهر تهران. رساله دکتری مدیریت پیشگیری از جرم. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کج‌روی. ویراست (۲). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاطری‌پوراصفهانی، شهید؛ وحید، یامین‌پور (۱۳۹۵). فرهنگ، سبک زندگی و جرم. چاپ (۱). تهران: انتشارات سوره مهر.
- صفاری، علی (۱۳۸۴). کیفرشناسی و توجیه کیفر، علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با موادمخدر در ایران). کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با موادمخدر و دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، ص (۱۰۴).

- صیقل، یزدان (۱۳۹۷). مطالعه حقوقی جرم‌شناسی جرم در جامعه مخاطره‌آمیز. رساله دکتری، دانشکده حقوق. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فتحی، حمید؛ فرزانه ستاکه (۱۳۸۷). امنیت اجتماعی، فضاهای شهری و نیروی انتظامی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره (۱۵)، ص (۱۷۷-۱۹۴).
- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۸). رویکرد نظری به پیشگیری از جرم: چالش‌ها، راهکارها، رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات ارائه‌شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم. تهران: معاونت آموزش ناجا.
- عباس‌نژاد، حسین (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال (۲۰)، شماره (۶۴).
- کاوه، محمد (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، جلد (۱). تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۶۲). انسان تک‌ساحتی. چاپ (۳). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمودی‌جانکی، فیروز؛ قورچی‌بیگی، مجید (۱۳۸۸). نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، دوره (۳۹)، شماره (۲).
- نسل، غلامرضا (۱۳۹۳). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (از نظریه تا کاربرد). چاپ (۱). تهران: نشر میزان.
- نسل، غلامرضا (۱۳۹۱). مبانی پیشگیری از جرم. چاپ (۱). تهران: نشر میزان.
- مهریزی، علیرضا (۱۳۸۹). مردان در محاق زنان. فصلنامه سمات، شماره (۳)، ص (۱۹۵).
- میلر، دلبری چارلز (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و پژوهش ات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نایبی. تهران: نشر نی.
- نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). کیفرشناسی نو-جرم‌شناسی نو. مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی، زیر نظر علی حسین ابرنآبادی. تهران: بنیاد حقوق میزان.
- هوشمند، احسان؛ کوه شکاف، ناهید (۱۳۸۱). پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان ۱۳۷۶-۱۳۷۷. مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی و انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد (۶).
- ورسلی، پیتر (۱۳۷۸). نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: سعید معیدفر. تهران: انتشارات تبیان.

- Hughes, Gordon (2005). "Community Crime Prevention", Quoted in the sage Dictionary Of Criminology.
- Lilly, J.Robert; Cullen, Francis.T & Richard A.Ball (2019). " Criminological Theory", 5TH edition, SAGE Publications, ISBN: 978-1-4129-8145-3 (pbk.).
- Lyle, Perry (2019)."Sociological Theories of Crime: Control Theory Review", Available at: [www.academia.edu/38994510/Sociological\\_Theories\\_of\\_Crime\\_Control\\_Theory\\_Review](http://www.academia.edu/38994510/Sociological_Theories_of_Crime_Control_Theory_Review).
- Perry, Marianna A. & Fennelly, Lawrence J.2020." Encompassing effective CPTED solutions in 2020 and beyond: concepts and strategies", Handbook of Loss Prevention and Crime Prevention (Sixth Edition), Available at: [www.doi.org/10.1016/B978-0-12-817273-5.00007-7](https://doi.org/10.1016/B978-0-12-817273-5.00007-7).
- Warwick, Elanor (2020)."Defensible Space", published in International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition), Available at: <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10171-4>.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی